

کنگره هزارمین سال میلاد شیخ طوسی

جزوه‌های قرآن مجید که پیداشده

بالاخره کنگره هزارمین سال میلاد شیخ طوسی، پس از شش سال تأخیر به‌همت دانشگاه مشهد و پشتکار آقای محمد واعظزاده خراسانی سردبیر این کنگره، در نهایت گرمی و شکوهمندی برگزار شد، و مردم دانش دوست خراسان از تاریخ ۲۸ اسفند ۱۳۴۸ تا چهارم فروردین ۱۳۴۹ به مدت پنج‌روز در دیار خود تماشاگر اجتماعی کم سابقه و پرشکوه بودند که از دانشمندان سراسر گیتی تشکیل شده بود.

در این اجتماع بیش از یکصد نفر محقق ایرانی و غیر ایرانی از شهرهای مختلف ایران و کشورهای اروپا و آمریکا، آسیا و آفریقا، با کسوت متفاوت و عقاید مختلف شرکت کردند و هر کس در حد مقام علمی و استعداد ذاتی خویش جلوه‌ای کرد و بهره‌ای برد.

علاّل فاسی سیاستمدار ورزیده مراکشی و نویسنده و محقق نامور عرب زبان، ریاست کنگره را عهده‌دار شد که به تصدیق آشنا و بیگانه وظیفه خود را نیک ادا کرد. ضمناً در پاسخ مستدل و بموقعی که به چارلز آدامس خاورشناس کانادایی داد، بلندی پایه علمی خود را در زمینه مطالعات اسلامی نیک به اثبات رسانید.

استاد مجتبی مینوی هم بر کرسی ریاست گروه «تاریخ و ادب» این کنگره بعنوان شایسته ترین فرد تکیه زد. در این گروه، مردان مایه‌وری گرد آمده بودند که اکثرشان از تعریف و توصیف بی نیازند، مانند: دکتر سید جعفر شهیدی سرپرست نفت نامه دهخدا، محمد محیط طباطبائی، دکتر علی اکبر فیاض، عبدالحی حبیبی افغانی، حسن الامین خلف صالح مؤلف اعیان الشیعه، دکتر فریار رئیس دانشگاه مشهد دکتر محمود نجم آبادی، دکتر حسن شهیدی، محمود فرخ سخنور خراسانی، دکتر نورانی وصال و گروهی دیگر از شاعران و نویسندگان نامور داخلی و خارجی که همگان از سر اخلاص جزو ارکان اصلی این گروه درآمدند و در اکثر جلسات من البد والی الختم حاضر می‌شدند تا از فرصت بدست آمده بی بهره نمانند.

مقالات علمی مستندی که در این گروه بادوزبان فارسی و عربی خوانده شد اندک نبود، با این همه روی هر مطلبی که ارزش نقد داشت، صاحب نظران انگشت می‌نهادند و مباحثه‌ها درگیر می‌شد در این کنگره علاوه بر گروه «تاریخ و ادب» پنج گروه دیگر به نامهای زیر تشکیل شد،

- ۱ - گروه تفسیر و علوم قرآن.
- ۲ - گروه فقه و اصول و مسائل حقوقی.
- ۳ - گروه حدیث و رجال و تراجم.

۴ - گروه کلام و فلسفه و ملل و نحل .

۵ - گروه کتاب شناسی .

در این گروه‌ها نیز مردان سرشناسی چون دکتر صلاح‌الدین منجد ، میرزا خلیل کمره‌ای ، سیدعلی‌اکبر برقمی قمی ، دکتر مشکور ، اکبر دانا سرشت ، زین‌العابدین رهنما ، مرتضی مطهری ، دکتر خزائلی ، جوادتارا ، دکتر مهدی محقق ، موتگمری وات انگلیسی ، دکتر فلاطوری ، و اکثر استادان دانشکده الهیات مشهد و تهران که بواسطه افزونی تعداد از ذکر نامشان معذوریم ، به پژوهش پرداختند و حاصل کارشان درجلسات عمومی کنگره مطرح شد که درحد خود ارزشمند بود .

تردید نیست که درجلسات مختلف این کنگره مانند دیگر کنگره‌ها ، هم مطالب ارزشمند محققانه مطرح می‌شد و هم مطالبی که از نقص برکنار نبود . ولی به جرأت می‌توان گفت : نتیجه‌ای که از کار این کنگره حاصل شد بامتایسه به دیگر کنگره‌های مختلفی که تاکنون درایران تشکیل شده بسیار ارزشمند می‌نماید .

دریکی ازمواد قطعنامه این کنگره تأکید شد که باید برای تدریس زبان عربی در دبیرستان و دانشگاه عنایت بیشتری بشود ، این درحقیقت پاسخ به کسانی بود که خود فارسی نمی‌دانند و برای پرده‌پوشی براین نادانی ، ندانسته می‌کوشند که با بیرون ریختن لغات عربی و حذف تدریس زبان عربی از برنامه‌های آموزشی و عنایت بیشتر به زبانهای فرنگی فاتحه فرهنگ و ادب این ملت کهن سال را بخوانند !

روزاول فروردین بهمناسبت اول سال ولزوم دید و بازدیدهای رسمی و غیررسمی ، کار کنگره را تعطیل کردند وقرار شد عصراین روز همگان برای تماشای موزه و کتابخانه آستان قدس درمحل موزه حاضر شوند .

حدود ساعت پنج همگان درمحل موعود حاضر شدند . ابتدا به تماشای مخزن گنجینه قرآن کتابخانه آستان قدس پرداختیم دراینجا بههریک از میهمانان نسخه‌ای از اولین قسمت فهرست گنجینه قرآن ، تألیف احمد گلچین معانی تقدیم شد ، سپس برای تماشای قرآنهاپی که اخیراً در یکی ازسقفهای حرم مطهر پیدا شده است رهسپار تالار تشریفات شدیم . پس از تماشای این ثروت بیحساب ، یاران متفرق شدند و من راهی بزم شبانه محمود فرخ خراسانی شدم . در آنجاعده‌ای از خواص همچون دکتر علی‌اکبر فیاض و مینوی و دکتر شهیدی و دکتر رجائی صدرا اجتماع کرده بودند .

خوشبختانه در این بزم ، توانستم اطلاعات بیشتری درمورد قرآنهاپی پیدا شده کسب کنم . و اینک اندکی از دیده‌ها و شنیده‌های خویش را برای خوانندگان این سطوب و باز می‌گویم : تعداد قرآنهاپی پیدا شده حدود یک هزار و چهارهشتادجزوه است که درمیان آنها دودیوان شعر عربی هم دیده می‌شود . این قرآنهاکه با خط کوفی و نسخ کتابت شده و مقداری از آنها دارای تذهیب بسیار نفیس و تاریخ کتابت است ، به قرنهاپی چهارم تا نهم هجری مربوط می‌شود . این گنج گرانهارا از میان دوسقف یکی از رواقهای حرم مطهر که هم‌اکنون دارالسلام نام دارد بیرون آورده‌اند ، یعنی میان پوشش داخلی سقف این قسمت که سابقاً به وسیله راهروی به محل قدیم کتابخانه آستان قدس وصل می‌شده ، و امر و زخارج از آن است .

درمورد اینکه درجه تاریخی این قرآن‌ها در این محل قرار داده اند سند دقیقی در دست نیست، ولی از اوراق چاپی و گونیهایی که محتوای قرآن‌ها و اوراق چاپی است مسلم می‌شود که حدود پنجاه شصت سال پیش از این کسی بدون اطلاع دیگران به این کار اقدام کرده است. در نیمه دوم سال ۱۳۴۸ ضمن تعمیر سقف درونی رواق دارالسلام به این اوراق و گونیها برمی‌خورند، و بتصور این که اوراقی دفنی است اجازه می‌خواهند به خارج نقل شود و در محل مناسب دفن گردد.

درمورد اوراق دفنی باید بگویم: مراد رسمی است که از قدیم در میان مردم متدین جاری بوده، و در اماکن مقدسه هنوز هم رعایت می‌شود - یعنی چون برای اوراق آیات قرآن و ادعیه و زیارت نقل شده، برای آنکه زیر دست و پا نیفتند و مورد بی‌احترامی واقع نشود، باید پس از آنکه بی‌مصرف ماند در محلی مناسب زیر خاک دفن شود.

اوایل آذرماه ۱۳۴۸ یکی از گونیها واری می‌شود و در آن مقداری سی پاره خطی دیده می‌شود که از گنجینه‌های گرانها حکایت می‌کند. بایررسی این اوراق گردآلود تا حدود ۱۴۸۰ جزوه قرآن به دست می‌آید که در میان آنها دودویان شعر عربی هم موجود بوده است، تاریخ تنظیم یکی از این دودویان سال ۴۸۲ هجری است و شاعر آن به فرموده استاد مینوی «ابن مقبل» است.

تاریخ کتابت این قرآن‌ها از سال ۳۲۷ هجری آغاز می‌شود و به اواخر قرن نهم ختم می‌گردد. قرآنی که به سال ۳۲۷ هجری کتابت شده فعلا کهنه‌ترین قرآن مورخ و مستند ایران است که در زمان رودکی شاعر بزرگ ایران، معاصر با نصر بن احمد سامانی و پیش از تولد سخنور بزرگ ایران فردوسی طوسی نوشته و تذهیب شده است.

دکتر صلاح‌الدین منجد کتابشناس معروف گفت: این دومین قرآن مورخ است که از قرن چهارم هجری برجای مانده. در این مجموعه قرآن مورخ دیگری موجود است که توسط «ابوالقاسم کثیر» وزیر سلطان محمود غزنوی وقف شده و تاریخ کتابت آن سال ۳۹۳ هجری است. در این مجموعه پانزده نسخه دیگر پیدا شده که همه آنها دارای تاریخ و نام واقف است. نسخه مورخ دیگری دیده شد که به خط «ابوالبرکات» کتابت شده و خود او با خط خودش در سال ۳۹۶ هجری وقف کرده است. بر روی هم از قرن پنجم هجری متجاوز از ۲۰۰ نسخه قرآن با خط خوش در این مجموعه به صورت سی پاره موجود است.

در میان این قرآن‌ها مجموعه بی‌ظنیر دیگری دیده شد که شاید در دنیا منحصر بوده باشد این مجموعه ۲۶ جزو قرآن است که با خط کوفی کتابت شده و در اطراف صفحات آن تذهیب بسیار ارزنده و نفیس نقش کرده اند.

این ۲۶ جزوه کار استاد بزرگ کوفی نویس، و تذهیبکار هنرمند قرن پنجم هجری عثمان بن حسین وراق غزنوی است. تاریخ این مجموعه ۴۶۵ و ۴۶۶ هجری است که به امر «محمد بن احمد عبدوسی» - احتمالا وزیر سلطان مسعود غزنوی کتابت و تذهیب شده است. و درخشندگی این تذهیب تا کنون نیک برجای مانده است.

از کارهای این هنرمند قرن پنجم قبلا دو نسخه در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود بود

ولی تذهیب آنها چندان درخندگی ندارد ، خوشبختانه اینک ۲۶ نسخه بهتر و بسیار زیباتر که هیچ دوتذهیب آنها با یکدیگر همانند نیست ، بر این دو نسخه افزوده شده و تعداد آنها به ۲۸ جزو رسیده است . از این سی جزو - یعنی یک قرآن کامل - تنها جزوهای ۱۲۰۱۰ آن ناقص است که آرزومندیم آنهم درجایی پیدا شود و این اثر منحصر بفرد تکمیل گردد .

جان کلام آنکه در میان این مجموعه به دست آمده هم جلد های نفیس چرمی با نقشهای فشاری دیده می شود ، وهم خط های کوفی بسیار نفیس که در زیر برخی از آنها ترجمه فارسی قرآن ، از قرن پنجم ، با نثری بسیار زیبا و روان کتابت شده است . در میان خطها ، خطوط کوفی و ثلث و نسخ و فارغ فراوان است .

دکتر صلاح الدین منجد عقیده داشت که اگر این اوراق حتی از نوشته و تذهیب و تاریخ عاری بود ، هر برگ آن بیش از یکصد دلار ارزش داشت ، یعنی تنها کاغذی که به قرنهای اولیه اسلام مربوط بوده باشد تا این حد ارزشمند است ، چه رسد به این که آثار هنری بی نظیری روی آنها نقش شده باشد .

امید است جناب باقر پیرنیا نیابت تولیت و استاندار معظم خراسان با کوششهای ارزنده ای که در خراسان مبذول می دارد ، در ایجاد بنائی مناسب برای نگهداری این آثار گرانبها نام خویش را جاودان سازد .

فضل الله ترکمانی «آزاده»

طفل نی سوار

واللیل از سیاهی گیسویت آیتی
گفتم شنیده ئی خبری از قیامتی
از دوری فراق حدیث و حکایتی
مبهوت و مات گشته نیارم شکایتی
شخص خرد بنزد کمالت درایتی
هر ناقصی بسوی کمال است و غایتی
بر هر بدایتی بود آخر نهایتی
این سوز و ساز هیچ ندارد تمامتی
اندر مصاف شیر بیاید شهامتی

ای ماه از سفیدی رویت علامتی
با آنکه گفت قامت تو سر و بوستان
گویم بخویش اگر که ببینم ترا ، کنم
لیکن چو چشم من بجمال تو او فند
ای آیتی ز خوبی مطلق جمال تو
هر ذره ئی بمهر به پیوست عاقبت
ناز تو و نیاز مرا نیست انتها ؟
«آزاده» جمله زنده عشقند کائنات
تو طفل نی سوار ی و عشقست شیر نر